



رهبر معظم انقلاب:

ادعای حمایت ایران از تروریسم تهمت بی‌معناست

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جنرال روزهای اخیر رسانه‌های وابسته به شبکه صهیونیستی بین‌الملل را درباره حمایت ایران از تروریسم، حلقه‌ای از توطئه‌های پی‌درپی مستبدان جهانی خواندند و افزودند: آنها با نسبت دادن یک تهمت مَهمل...

صفحه ۲

یکشنبه ۲۴ مهر ۱۳۹۰ ۱۸ ذی‌القعده ۱۴۳۲ ۱۶ اکتبر ۲۰۱۱ سال نهم

تیتَر

اقدام عملی بر پایه اتهام پرابهام

شکایت آمریکا از ایران به شورای امنیت ارسال شد

صفحه ۲

موسیقی



گفت‌وگوی «شرق» با فرهاد فخرالدینی عشق نباشد کار فرمایشی‌می‌شود

صفحه ۹

در صفحات

فیس‌بوک

کار تون حسن کریمزاده /صفحه آخر

همین فرداصبح

گفت‌وگو با جعفر مدرس صادقی /صفحه ۱۴

حرفیم چشم بادامی‌ها هستند

گفت‌وگو با آرزو حکیمی /صفحه ۱۶

از محدودیت سیما در امان نبودم

گفت‌وگو با آرش معبریان /صفحه ۱۱

حرف اول

فرار از شوک

رضا چلبلی*

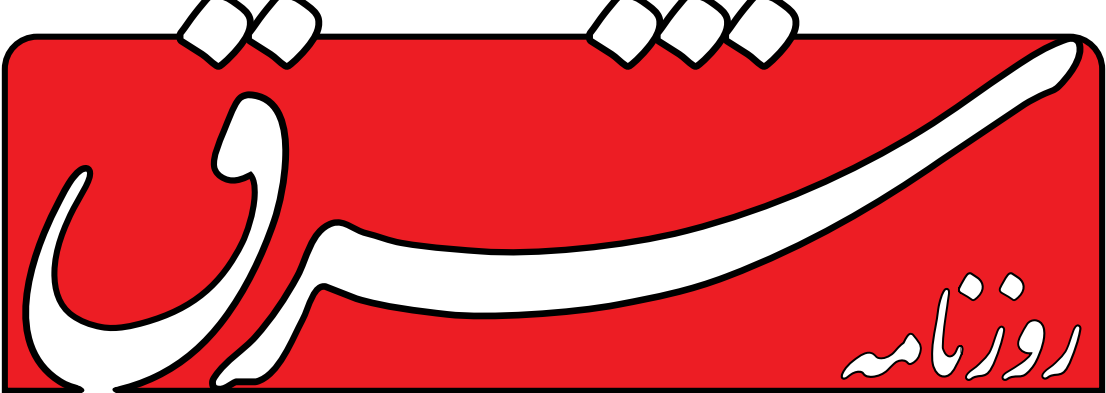
ناقوس مرگ سرنجام برای مدل‌های اقتصاد آمریکایی و یکسونگري سرمایه‌داری خاص آمریکایی به صدا در آمد. سرنوشتی محتوم برای رویکردهای یکسونگرنه آمریکا در حوزه اقتصاد. دریغ از اینکه مدل‌های دیگر موجود نیز جز رویایی بیش نیستند و مهم‌تر اینکه ال‌ترناتیوی برای این مدل لعنتی وجود ندارد.

هرچند در صورت عدم ترمیم رهیافت‌های سرنوشتی مشابه آنچه بر سر مدل اقتصاد مارکسی آمد، خواهد داشت. البته هنوز پرسش‌ها پیرامون جایگزین یافتن برای دلار و طلا همچنان بحث داغ محافل اقتصادی، سیاسی و متفکران حوزه اقتصاد سیاسی است.

در این میان مجموعه‌ای از شوک‌های اقتصادی، مشکلات بدهی اتحادیه اروپا، خطر قرض‌های ایالات متحده آمریکا و کاهش رشد تولید ناخالص جهانی، بحثی را درخصوص بحران جدید جهانی در بین کارشناسان ایجاد کرده است. عدم وجود هرگونه جایگزین برای دلار و طلا به‌عنوان دارایی‌های ذخیره، سردرگمی در اعتبارات مالی کشورهای بزرگ و عدم تعادل منطقه‌ای اقتصاددانان را مجبور می‌کند که به دنبال مدل‌های جدیدی برای توسعه و رشد باشند. اما این مدل یا مدل‌های جدید چه مولفه‌هایی خواهندداشت؟

طبعاً پاسخ به این پرسش و پرسش‌هایی نظیر این، نیازمند بازخوانی بحران است. نشانه‌های قرض ابتدا در یونان، سپس در ایالات متحده آمریکا و اکنون در ایتالیا، اسپانیا و سایر کشورهای اتحادیه اروپا ذهن دلالان بورس را درگیر می‌کند و در محافل اقتصاددانان بحث‌های شدیدی در می‌گیرد. مدل‌ها، فرمول‌ها و نقشه‌های اقتصادی که توسط دانشمندان قرن ۲۰ بسط و توسعه داده شده است، شکست می‌خورند. قدرت اقتصادی اروپا یک پرسش بزرگ است، ایالات متحده آمریکا آشکارا به امکانات مالی خود تکیه ندارد و مراکز مالی قدیمی مانند فرانکفورت، پاریس، لندن و نیویورک موقعیت‌های خود را از دست می‌دهند.

ادامه در صفحه ۴



در گفت‌وگو با «شرق» مطرح شد

ناگفته‌های آقای تحقیق و تفحص

■ **علی اکبر اولیا رییس کمیته تحقیق و تفحص از ستاد مرکزی قاچاق کالا و ارز و نایب رییس کمیته تحقیق از برنامه چهارم توسعه، از جزئیات یافته‌ها و جمع‌بندی‌هایش سخن گفت**

گروه سیاسی، سروش فرهادیان: هم رییس کمیته تحقیق و

تفحص از ستاد مرکزی قاچاق کالا و ارز است و هم نایب‌رییس کمیته تحقیق از برنامه چهارم توسعه، از پیشنهاددهندگان تحقیق از سهام عدالت و قراردادهای نفتی و سسند چشم‌انداز

۲۰ساله هم هست؛ پس حق بدهید عنوان آقای تحقیق و تفحص

مجلس را برای «علی‌اکبر اولیا» پرازنده بدانیم. نماینده یزد را

هر گاه در مجلس می‌بینم کولیاری از نامه و پرونده در دستش

است. تقصیر هم ندارد؛ در حال انجام تحقیق و تفحص است

بیا در تلاش برای تصویب یک تحقیق جدید یا در حال تدوین

گزارش یک پروژه انجام شده. گفت‌وگو با اولیا بر بود از رقم و سند؛ اما گفت‌وگوی جذابی شد. این روزها که همه جا خبر از اختلاس است و رقم‌های بزرگ بزرگ، شنیدن از قاچاق کالا و ارز از زبان کسی که رییس کمیته تحقیقی در این‌باره بوده جالب است. هر چند در مقابل

از نام کمیته تحقیق از برنامه چهارم توسعه جذابیت زیادی به

ذهن نمی‌آید؛ چه آنکه حدیث چارچوب است و عبورهای دولت

۲

واکاوی دورافتادگی از توسعه (۴)؛ گفت‌وگو با بهروز هادی‌زنوز

آرزوی توسعه اقتصادی در فضای بدون بستر

گروه اقتصاد، رضا غیبی: توسعه به آرزویی برای اقتصاد ایران تبدیل شده است. در چند روز گذشته که کارشناسان عدم توسعه‌یافتگی در اقتصاد ایران را واکاوی کردند، این مساله به وضوح مشخص شد که توسعه‌یافتگی تکراری بوده و همیشه در اقتصاد ما وجود داشته است. این مساله را اتحادی بهروز هادی‌زنوز نیز تأیید می‌کند و ضمن اشاره به برخی از دوره‌های اقتصادی در ایران که بازتابی از توسعه را ازایه داده‌اند اما بر این مساله انگشت می‌گذارد که همه گروه‌های اقتصادی در نهایت کج پیچی در مسیر توسعه را مزه‌مز کرده‌اند. ما امروز در روند بازخوانی پرونده توسعه در اقتصاد ایران رویه‌روی زنوز توسعه‌ایم. او اقتصادیانی برجسته است که در چند سال گذشته خیلی در محافل اقتصادی حضور نداشته است. گفت‌وگوی او با ما فصل دیگری از توسعه‌یافتگی در اقتصاد ایرانی را به تصویر کشیده است. متن این گفت‌وگو در ادامه آمده است:

■ **آقای دکتر، اگر اجازه بدهید بحث عدم توسعه‌یافتگی اقتصاد ایران را از منظر تاریخی بررسی کنیم و به عنوان**

اولین سوال توضیح دهید که توسعه در ایران از چه زمانی مورد توجه قرار گرفت و تحت تأثیر چه عواملی بود؟

مسئله توسعه و مدرنیزه کردن دولت از اواسط قرن ۱۹ میلادی آغاز شد. در این مقطع وقتی دولتمردان، روشنفکران و تاجار ایرانی با تمدن غربی آشنا شدند، عقبماندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را احساس کردند و در این راستا، هر کسبی به نوبه خود تلاش کرد تا به علت عقب‌افتادگی پی ببرد. از آنجا که اولین رویارویی ایران با غرب خصمانه و همواره با امیال استعماری انگلیس و امپراتوری تزاری مواجه بود، در اوایل قرن ۱۹ میلادی این عقب‌افتادگی به صورت ناوآنی نظامی نمود پیدا کرد و از این زمان، اولین تلاش‌های برای توسعه با احداث واحدهای توپ‌بریزی، ذوب فلزات و مهمات‌سازی آغاز شد. این تلاش‌ها در دوره عباس‌میرزا به شکست می‌انجامد و در دوره ناصرالدین‌شاه، اصلاحات اقتصادی با حمایت از صنایع داخلی، مسلماندهی گمرک و خاصه خرجی‌های درباریان توسط میزاتقی‌خان‌امیرکبیر آغاز می‌شود که به دلیل کوتاهی‌بودن حضور او در عرصه سیاست و قتلش توسط درباریان، این سیاست‌ها نیز راه به جایی نمی‌برد، اما بعدها ناصرالدین‌شاه پس از سفرهای خود به فرنگ سعی می‌کند ارکان حکومتی خود را مشابه غرب پیاپیزی کند. در این دوره مجلس‌مشورتی دایر می‌شود و ایجاد وزارتخانه‌هایی به سبک غرب در دستور کار قرار می‌گیرد. عده‌ای از منوال‌فکرها از جمله دولت‌آبادی و رشدیه نیز عقب‌ماندگی کشور را ناشی از فقدان نظام آموزشی می‌دانند و با تأسیس مدارس جدید و حذف مکتب‌خانه‌ها، سعی می‌کنند نظام آموزشی کشور

سرلوحه قرار گرفتن مدرنیزاسیون و پیشرفت ایران در دوره رضاخان پهلوی است. این مساله جای شگفتی نیست. چراکه نوسازی آلمان در دوره بیسمارک و صنعتی‌شدن روسیه و کره جنوبی به ترتیب در دوره استسارلین و دیکتاتوری ژنرال‌ها انجام شد. شاه وقت، هر چند فرد مستبدی بود و بعدها به آدم فاسدی از نظر مالی تبدیل شد، اما با دیدن اصلاحات جهانی و کشورهای همسایه از جمله ترکیه، جرقه خارج‌کردن کشور از هرج‌ومرج در ذهن او زده شد. برقراری نظم و امنیت در سراسر کشور و مبارزه با اشرار و جنبش‌های مردمی در اقصا نقاط کشور موجب رونق تجارت شد. اصلاحات صورت‌گرفته در مالیه عمومی، بودجه‌ریزی و نظام مالیاتی راه را برای انجام وظایف حداقلی دولت و نیز انباشت سرمایه در بخش عمومی فراهم کرد، دولت در جهت عمران شهرها و شهرسازی نوین گام برداشت. احداث راه شوسه و راه‌آهن، زمان و هزینه حمل و نقل را به‌شدت کاهش داد و به شکل‌گیری بازار ملی و از میان بردن فطعی در کشور کمک کرد. ایجاد بانک‌ملی و سایر بانک‌ها مبادلات اقتصادی و تأمین مالی را سامان بخشید. حمایت از صنایع داخلی موجب شکل‌گیری صنایع ماشینی در کشور شد.

ادامه در صفحه ۵

گروه جهان: گویا حکومت بحرین وحشت دارد از اینکه در مسیر بادهای تند و ویرانگر بهار عربی قرار بگیرد. حکومتی که در چند ماه اخیر شاهد ویرانی‌های ناشی از بهار عربی در انقلاب مشروطه نقش‌مهمی داشتند و اوست‌های آنان در مورد تأسیس بانک‌ملی و حمایت از کسب‌وکار داخلی در مجالس اول و دوم مطرح می‌شود. اما دولت‌های بعد از انقلاب مشروطه عمر مستعجلی داشته‌اند و دوران بعد از مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول، وضعیت ایران با بی‌ثباتی سیاسی مشخص می‌شود. به همین دلیل فرصت مناسبی برای سالاندهی به مالیه عمومی، گمرکات و امور پولی و بانکی پیش نیامد.

■ **بنابراین پیش از مشروطه تفکر توسعه همواره با شکست مواجه بوده است؟**
بله، اصلاحات و توسعه در ایران تا پیش از مشروطه کوتامعدت و ناموفق بود تا زمانی که رضاخان به قدرت رسید. به‌قدرت‌رسیدن رضاخان نیز براساس احساس نیاز دولت انگلیس برای وجود یک دولت قدرتمند

در ایران بود تا نگرانی‌های موجود در مورد مرزهای شمالی برطرف شود و بهربرداری از نفت جنوب، بدون دغدغه ادامه داشته باشد. از طرفی این دولت قدرتمند، مانع دسترسی روس‌ها به آب‌های گرم می‌شد. با آمدن رضاخان نظر انگلیس تأمین شد. نکته‌ای که هضم آن برای برخی‌ها دشوار بود،

سرلوحه قرار گرفتن مدرنیزاسیون و پیشرفت ایران در دوره رضاخان پهلوی است. این مساله جای شگفتی نیست. چراکه نوسازی آلمان در دوره بیسمارک و صنعتی‌شدن روسیه و کره جنوبی به ترتیب در دوره استسارلین و دیکتاتوری ژنرال‌ها انجام شد. شاه وقت، هر چند فرد مستبدی بود و بعدها به آدم فاسدی از نظر مالی تبدیل شد، اما با دیدن اصلاحات جهانی و کشورهای همسایه از جمله ترکیه، جرقه خارج‌کردن کشور از هرج‌ومرج در ذهن او زده شد. برقراری نظم و امنیت در سراسر کشور و مبارزه با اشرار و جنبش‌های مردمی در اقصا نقاط کشور موجب رونق تجارت شد. اصلاحات صورت‌گرفته در مالیه عمومی، بودجه‌ریزی و نظام مالیاتی راه را برای انجام وظایف حداقلی دولت و نیز انباشت سرمایه در بخش عمومی فراهم کرد، دولت در جهت عمران شهرها و شهرسازی نوین گام برداشت. احداث راه شوسه و راه‌آهن، زمان و هزینه حمل و نقل را به‌شدت کاهش داد و به شکل‌گیری بازار ملی و از میان بردن فطعی در کشور کمک کرد. ایجاد بانک‌ملی و سایر بانک‌ها مبادلات اقتصادی و تأمین مالی را سامان بخشید. حمایت از صنایع داخلی موجب شکل‌گیری صنایع ماشینی در کشور شد.

این کمیته که از سوی پادشاه بحرین ماموریت یافته و در راس آن چند حقوقدان معتبر قرار دارند، به هشت‌هزار شکایت رسیدگی کرده و حدود پنج هزار مصاحبه انجام داده است. کمیته می‌گوید کاملاً مستقل است و دولت بحرین در تحقیقاتش دخالتی ندارد. اما اکثریت شیعه بحرین که خواهان تقسیم عادلانه ثروت، زمین و قدرت هستند، می‌گویند از آن بیم دارند که این کمیته، دولت را مقصر اعلام نکند و تبعیض در مورد جامعه شیعیان این



AP/عسک

اعتراف منتخبان پادشاه دولت بحرین حقوق بشر را در ناآرامی‌های اخیر نقض کرده است

کشور کماکان ادامه یابد. مردم بحرین حتی به دستورهای پادشاه هم اعتماد ندارند، چراکه پیش از این در جریان درگیری‌های داخلی، پادشاه بحرین با اعلام حکومت نظامی برای سه ماه مسوولیت اداره کشور را به نظامیان سپرد. در همان زمان بنابر نقاشی پادشاه بحرین و به منظور تقویت نیروهای نظامی این شیخ‌نشین جنوب خلیج‌فارس، بیش از یک‌هزار نیروی نظامی از عربستان‌سعودی وارد آن کشور شدند. در بحرین یک اقلیت سنی بر این کشور که دوسوم جمعیتش شیعه هستند، حکومت می‌کنند.

گروه‌های قومی بزرگ بحرین اعراب آفریقایی‌اند که عمدتاً از شرق آفریقا آمده و بیشتر سنی هستند. ایرانیان بحرین با عجم‌ها هم که اکثر آنان در اصل مهاجرانی از جنوب ایران از فارس و بوشهر هستند، در بحرین زندگی می‌کنند و به رقم سکونت طولانی آنان در این محل همچنان فارسی صحبت می‌کنند و بیشتر شیعه و گروهی سنی هستند. بحرانی‌ها یا بجارنه هم که عرب‌های بومی بحرین بوده و شیعه هستند،

بزرگ‌ترین گروه قومی این کشور را تشکیل می‌دهند. جمعیت آنها در سال ۱۹۹۵ در آمار اتنولوگ حدود ۳۰۰ هزار نفر برآورد شده است. بنیان (بوینان یا هنود) هندی‌هایی هستند که از روزگاران دور به این جزیره آمده و بیشتر پیرو آیین هندو هستند. بادیه‌نشینان عرب

از جمله قبایلی چون عتوب و نعیم‌اند که مسلمان سنی هستند. هولها(حوله‌ها) که نوادگان اعرابی هستند پس از فتح ایران به آنجا مهاجرت کرده و سپس به بحرین آمدند و مسلمان سنی‌اند. نجدی‌ها، عرب‌های سنی شهرنشین هستند که از نجد در مرکز عربستان به آنجا آمده‌اند. بحرین یک حکومت پادشاهی مشروطه است.

پادشاه به طور موروثی از خاندان آل خلیفه انتخاب می‌شود که از سال ۱۸۲۰ میلادی قدرت را در این جزیره به دست گرفت و اتحاد خود را با بریتانیا اعلام کرد. این کشور در سال ۱۹۷۱ استقلال خود را از بریتسری بریتانیا اعلام کرد و قانون اساسی فعلی این کشور در سال ۲۰۰۲ تصویب شده است. نظام حقوقی این کشور ترکیبی از حقوق اسلامی (فقّه) و کامن‌لا انگلیسی است. پادشاه یا امیر کنونی کشور حمدبن عیسی آل خلیفه است که از سال ۱۹۹۹ قدرت را در دست دارد. ولیعهد سلمان بن حمد، پسر او است که در ۱۹۶۹ به دنیا آمده و ریاست دولت بر عهده نخست‌وزیر خلیفه بن سلمان پسرعموی پادشاه است که از سال ۱۹۷۱ این مقام را دارد.

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی خواستار شد

هوشیاری مردم و دیپلماسی فعال در مواجهه با توطئه جدید استکبار

ایلنا: آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با محکومیت توطئه جدید آمریکایی‌ها، تأکید کرد: تبلیغات سوءوسیع استکبار جهانی هماهنگ با اظهارات منفی مدیر کل اژانس هسته‌ای و گزارش گزارشگر شورای حقوق‌بش‌ر، ضرورت هوشیاری مردم، دیپلماسی فعال و ارزیابی عمیق این توطئه...

صفحه ۲

شماره پیاپی ۱۳۶۹ شماره ۴۴۵ دوره جدید ۲۰صفحه ۶۰۰ تومان

سر مقاله

نشانی وال‌استریت

سیاوش جمادی



انجام داد». همزمان در میان معترضان وال‌استریت،

مردی با نقای نمادین پلاکاردی را به رهگذران نشان

می‌داد با این شعار: «جهان به اندازه نیاز هر کس دارد.

به اندازه حرص هرکس ندارد». این شعار قدیمی آیا

حاصل نگاه تازه‌ای است که امثال استیو جابز و ژولیان

آسکُژ با بیرون کشیدن رسانه افزار از جنگ زورمندان

پدید آورده‌اند؟ اگر آری، پس باید اولاما نگه همدا‌لنهای

به معترضان داشته باشد که خود می‌گوید «آنها صدای

اعتراض به نحوه کارکرد نظام مالی در ایالات متحده‌اند.»

همزمان آنان که چندی پیش جنبش موثرتری را با عنوان

تی‌پارتی به راه انداختند اکنون معترضان وال‌استریت را

برانداز و ازالل و اواش می‌نامند. این دو جنبش اعتراضی

به فاصله کمتر از یک سال در سرزمینی رخ داده است

که بدون کتمان و منطله‌کاری، عدد معترضان تا حدی

می‌تواند سنجه نیروی اجتماعی و دامنه نفوذ در میان

مردم باشد، در همه جای جهان همین که سیاست

پایین‌سری جان تازه‌ای به خیابان افسرده می‌دهد، پلیس

نیز از جانب سیاست بالاسری حاضر می‌شود، اما این

حضور اشکال متفاوتی دارد، این اشکال میان حفاظت

از حق اعتراض تا سرکوب بی‌لگم خونبار درجات متفاوت

و متعددی دارد. پلیس باتوم به دست در مقام نمایندگان

خشونت قانونی برای نظم پولیس (شهر) با شکل حضور

خود در خیابان و بعد از خیابان اعتبار عدد را تعیین

می‌کنند. به بیانی ساده‌تر، جایی که شرکت در اعتراض

به عنوان یک حق، عواقب وخیمی برای معترضان ندارد

می‌توان عدد آنها را عدد حقیقی آنها به شمار آورد.

برعکس، از روی عدد کسانی که در جایی چون چین،

سوریه و بحرین ما فی‌الضمر خود را در عرصه عمومی

فریاد می‌کشند قطعا و بی تردید نمی‌توان گفت که

معترضان، منصرف به همین تعدادی هستند که گلو در

برابر گلوله سپهر کرده‌اند. عدد معترضان وقتی می‌تواند

ملاک حقیقی‌تری برای نفوذ اجتماعی باشد که شرکت

در عمل اعتراضی، حتی محفوظ و بی‌خطر باشد، اما ختم

ماجرای این فرمول گویایی همه جواب نیست. عدد اب‌دی

نیست، عدد کم یا زیاد می‌شود. رانده‌اری اعتراض الزاما

نقطه فرجامین نیست. تی‌پارتی‌ها که به هر حال بر تغییر

موثر عدد نمایندگان کنگره و سنا به نفع جمهوری خواهان

موثر واقع شدن به دست‌های پرپول به خیابان آمدند نه

به دست‌های تهی. آنها تشکیلاتی نداشتند که همه

خرپول‌های آمریکا آن را تقویت می‌کردند. خرپول‌های

جهان برای شکست اولیاما متحد شده بودند. اسلام‌ستیزها،

نژادپرستان شمشه‌چران، سالخوردگان مرّجع، بنیادگرایان

به‌شدت متعصب مسیحی، مخالفان سیاست گفت‌وگو

با ایران و مدافعان صدور دموکراسی با بمب و در یک

کلام مظاهر منفورترین چهره‌ها و ایده‌ها در نظر خلق

به پاخاسته خاورمیانه در کمال امنیت و آزادی با ده‌ها

بلندگو و پلاکارد و پرچم در مراسمی ضیافت‌گونه «فل

و نیت» بخش می‌کردند. هدف آنها تغییر جهان نبود.

با اشغال شماری از کرسی‌های سنا و کنگره صدای آنها

نیز موقتا خوابید. شرکت در اعتراضات وال‌استریت نیز

به هیچ‌وجه به آن مخالفتی که رسانه‌های ما در بوق

می‌کنند، نیست. بالاترین مقام اجرایی آمریکا تا این زمان

با احتیاط از حق اعتراض و حتی موضوع اعتراض حمایت

کرده است. رسانه جدید بی‌هیچ کنترل و تهدیدی در

اختیار معترضان است. برخی از معترضان می‌گویند که

ما ملهم از میدان التحریر مصر هستیم، اما گردهمایی

در وال‌استریت، با انواع و اقسام دوربین‌ها و رسانه افرا‌ها

و صورت‌تک‌ها و پلاکاردها و برس‌های نقاشی، کتابخانه،

دوربین‌های مجهز، وسایل آشپزی و مانند اینها گویای

فضایی است به مراتب آزادانه‌تر و امن‌تر از میدان التحریر

و همه میدان خلورمیانه حتی می‌توان گفت که امنیت

گفت‌وگو، آزادی بیان و اعتراض به عنوان حقی اساسی و

دایمی یکی از مهم‌ترین خواسته‌های معترضان خاورمیانه

است. شعارهای پراکنده معترضان وال‌استریت باوجود

پراکندگی و ناهمگونی، گویای اعتراض به بی‌عدالتی‌هایی

است ناشی از انباشت سرمایه، دلای و بورس باری، ایجاد

حباب‌های مالی و نظام بانکی مبتنی بر اعتبار و پول‌های

کار ناکرده و توزیع نابرابر ثروت و بعضا صدور موم‌کراسی یا

لشکرکشی که بشنوا‌هه انسانی آن مردم ساده و کج‌درآمد

آمریکاست و چشته‌خواران حریص آن بورس‌بازان،

بانکداران و دلالان نفت و اسلحه‌اند.

ادامه در صفحه ۶

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق تلفنی آگهی می‌پذیرد.

